

بخش پنجم

آموزه

کاربرد فدیہ

کارِ عامِ روح القدس:

فیضِ عام

مطالعه در مورد کار فدیة که مسیح فراهم ساخت، به طور طبیعی بحث پیرامون اعمال این فدیة در قلب و زندگی گناهکاران به وسیله عملکرد خاص روح القدس را به دنبال دارد. قبل از پرداختن به این موضوع، فصل کوتاهی به عملکردهای عام روح القدس که در فیض عام دیده می شود، اختصاص خواهیم داد.

۱- ماهیت فیض عام

زمانی که سخن از فیض عام به میان می آوریم، یکی از دو مطلب ذیل مد نظر قرار می گیرد: (الف) آن دسته از عملکردهای عام روح القدس که از طریق آنها، او بدون احیا کردن قلب انسانها، چنان تأثیر روحانی بی برایشان می گذارد که گناه محدود شده، نظم و ترتیب در زندگی اجتماعی حفظ می گردد و عدالت اجتماعی گسترش می یابد؛ (ب) آن دسته از برکات عام، که خدا آنها را طبق صلاحدید خود، بدون هیچگونه تمایز و تفاوتی به همه انسانها می بخشد. بر خلاف پیروان آرمینیوس، ما معتقدیم که فیض عام نه گناهکار را قادر به انجام هیچگونه عمل نیکی می نماید، و نه باعث می گردد که وی با توبه و ایمان به سوی خدا بازگشت کند. انسان می تواند در برابر این فیض از

خود مقاومت نشان دهد و همیشه کم یا زیاد در مقابل آن از خود مقاومت نشان می‌دهد، و در نهایت فقط بر ظاهر جامعه، اخلاق، مدنیت و زندگی مذهبی تأثیر می‌گذارد. گرچه مسیح فقط به منظور نجات برگزیدگان مرد، با وجود این تمام نژاد بشری، از جمله اشخاص توبه‌نکرده و فاسد، امتیازات زیادی را از مرگ مسیح کسب می‌نمایند. برکات فیض عام را می‌توان همچنین نتایج غیر مستقیم کفاره مسیح نیز به حساب آورد.

۲- وسایل فیض عام

چندین وسیله را می‌توان تشخیص داد: (الف) مهم‌ترین این وسایل نور مکاشفه عام خداست. بدون این وسیله، تمام وسایل دیگر غیرممکن و بی‌ثمر خواهد بود. این وسیله هر انسانی را منور می‌گرداند و هادی وجدان انسانها می‌باشد. (ب) حکومت‌های بشری نیز در جهت این هدف کار می‌کنند. بر اساس اعتقاد ما، حکومت‌ها ایجاد شده‌اند تا مهارکننده گرایشها و تمایلات شریرانه بوده، مشوق و مروج شایستگی‌ها و نظم و ترتیب‌های صحیح باشند. (ج) آراء عمومی نیز هر جا که مطابق و هماهنگ با شریعت خدا باشد، یکی دیگر از وسایل مهم می‌باشد. این امر تأثیر فوق‌العاده چشمگیری بر رفتار اشخاصی داشته که نسبت به قضاوت‌های آراء عمومی بسیار حساس می‌باشند. (د) در آخر، مجازات و پاداش الهی نیز در جهت تشویق اصول اخلاقی صحیح در دنیا عمل می‌کنند. مجازات‌ها اغلب مانع رفتارهای گناه‌آلود انسانها می‌گردد و پاداشها به انسانها در جهت انجام اعمال صحیح و خوب انگیزه می‌دهد.

۳- تأثیرات فیض عام

تأثیرات ذیل را می‌توان در ارتباط با عملکرد فیض عام نام برد: (الف) به تأخیر افتادن اجرای حکم مرگ انسان. خدا فوراً حکم مرگ انسان گناهکار

را به طور کامل اجرا نکرد و الان هم اجرا نمی‌کند، بلکه به او فرصتی برای توبه می‌دهد (رومیان ۲:۴؛ ۲ پطرس ۳:۹). (ب) محدود شدن گناه در زندگی اشخاص و ملت‌ها. فسادی که از طریق گناه وارد زندگی انسان گردید، محدود گردیده و هنوز اجازه داده نشده که عمل ویرانگر و مخرب آن کامل گردد (پیدایش ۶:۲۰؛ ۷:۳۱؛ ایوب ۱:۱۲؛ ۶:۲). (ج) انسان هنوز در خود احساس و درکی از حقیقت و خوبی و زیبایی داشته، تا حدی آن را قدر می‌نهد و از خود تمایل و گرایش برای حقیقت، اصول اخلاقی و اشکال مخصوصی از مذهب نشان می‌دهد (رومیان ۲:۱۴، ۱۵؛ اعمال ۱۷:۲۲). (د) انسان هنوز قادر به انجام خوبی ذاتی یا عدالت اجتماعی می‌باشد، اعمالی که ظاهراً با شریعت خدا هماهنگ هستند، گرچه دارای هیچ ارزش روحانی نمی‌باشند (۲ پادشاهان ۱۰:۲۹، ۳۰؛ ۲:۱۲؛ ۳:۱۴؛ لوقا ۶:۳۳). (ه) همه انسانها برکاتی را از خداوند دریافت می‌دارند که در حقیقت سزاوار و شایسته آن نیستند (مزمور ۹:۱۴۵، ۱۵، ۱۶؛ متی ۵:۴۴، ۴۵؛ لوقا ۶:۳۵، ۳۶؛ اعمال ۱۴:۱۶، ۱۷؛ تیموتاؤس ۴:۱۰).

آیاتی برای حفظ کردن در باره موضوعات مورد بحث:

الف: کار عام روح القدس با انسان

پیدایش ۳:۶ «و خداوند گفت: روح من در انسان دائماً داوری نخواهد کرد زیرا که او نیز بشر است لیکن ایام وی صد و بیست سال خواهد بود». اشعیا ۶۳:۱۰ «احسانهای خداوند و تسبیحات خداوند را ذکر خواهم نمود بر حسب هر آنچه خداوند برای ما عمل نموده است و به موجب کثرت احسانی که برای خاندان اسرائیل موافق رحمتها و وفور رأفت خود بجا آورده است».

رومیان ۲۸:۱ «و چون روا نداشتند که خدا را در دانش خود نگاه دارند

خدا ایشان را به ذهن مردود وا گذاشت تا کارهای ناشایسته بجا آورند».

ب: محدود کردن گناه

پیدایش ۶:۲۰ «خدا وی را در رویا گفت من نیز می‌دانم که این را به ساده دلی خود کردی و من نیز تو را نگاه داشتم که به من خطانورزی و از این سبب نگذاشتم که او را لمس نمایی».

پیدایش ۷:۳۱ «و پدر شما مرا فریب داده ده مرتبه اجرت مرا تبدیل نمود ولی خدا او را نگذاشت که ضرری به من رساند».

مزمور ۱۴:۱۰۵ «او نگذاشت که کسی بر ایشان ظلم کند بلکه پادشاهان را به خاطر ایشان توبیخ نمود».

ج: اعمال خوب از جانب انسانهای تولد تازه نیافته

دوم پادشاهان ۳۰:۱۰ «و خداوند به بیهوگفت چونکه نیکویی کردی و آنچه در نظر من پسند بود بجا آوردی و موافق هر چه در دل من بود با خانهٔ اخآب عمل نمودی از این جهت پسران تو تا پشت چهارم بر کرسی اسرائیل خواهند نشست».

لوقا ۶:۳۳ «و اگر احسان کنید با هر که به شما احسان کند چه فضیلت دارید چونکه گناهکاران نیز چنین می‌کنند».

رومیان ۱۴:۲، ۱۵ «زیرا هرگاه امتهایی که شریعت ندارند کارهای شریعت را به طبیعت بجا آرند اینان هر چند شریعت ندارند برای خود شریعت هستند چونکه از ایشان ظاهر می‌شود که عمل شریعت بر دل ایشان مکتوب است و ضمیر ایشان نیز گواهی می‌دهد و افکار ایشان با یکدیگر یا مذمت می‌کنند یا عذر می‌آورند».

د: برکاتی که شامل حال همه انسانها می‌گردد، گرچه شایسته آن نمی‌باشند
 مزمور ۹:۱۴۵ «خداوند برای همگان نیکو است و رحمت‌های وی بر
 همه اعمال وی است».

متی ۴۴:۵، ۴۵ «اما من به شما می‌گویم که دشمنان خود را محبت
 نمایید و برای لعن‌کنندگان خود برکت بطلبید و به آنانی که از شما نفرت
 کنند احسان کنید و به هر که به شما فحش دهد و جفا رساند دعای خیر
 کنید تا پدر خود را که در آسمان است پسران شوید زیرا که آفتاب خود را بر
 بدان و نیکان طالع می‌سازد و باران بر عادلان و ظالمان می‌باراند».
 اول تیموتاؤس ۴:۱۰ «زیرا که برای این زحمت و بی‌احترامی می‌کشیم
 زیرا امید داریم به خدای زنده که جمیع مردمان علی‌الخصوص مؤمنین را
 نجات‌دهنده است این امور را حکم و تعلیم فرما».

برای مطالعه بیشتر

الف: کدام یک از سه دیدگاه در مورد فیض عام بوسیله کلیسای ما مورد
 تأکید قرار می‌گیرد؟
 ب: متی ۲۱:۲۶، ۴۶ و مرقس ۲:۱۴ چگونه تأثیر بازدارنده آراء عمومی
 را نشان می‌دهند؟
 ج: چگونه رومیان ۱:۲۴، ۲۶، ۲۸ و عبرانیان ۶:۴-۶ فیض عام را ثابت
 می‌کنند؟

سؤالاتی برای مرور مطالب

- ۱- منظور از فیض عام چیست؟
- ۲- تفاوت دیدگاه ما با پیروان آرمینیوس در چیست؟
- ۳- آیا فیض عام هیچگونه تأثیر روحانی و نجات‌دهنده دارد؟
- ۴- آیا فیض عام به هیچ طریقی با کار فدیه مسیح ارتباط دارد؟

- ۵- فیض عام با چه وسایلی عمل می‌کند؟
- ۶- تأثیرات فیض عام چیست؟

دعوت و خلقت تازه

۱- دعوت

دعوت را به طور کلی می توان آن عمل پر محبت خدا تعریف نمود که بر طبق آن او گناهکاران را به پذیرش نجاتی که از طریق عیسی مسیح مهیا شده است فرا می خواند. این دعوت می تواند بیرونی باشد یا درونی.

دعوت بیرونی

کتاب مقدس در قسمت های متعددی به این نوع دعوت اشاره می کند یا در مورد آن سخن می گوید (متی ۱۹:۲۸؛ ۱۴:۲۲؛ لوقا ۱۴:۱۶-۲۴؛ اعمال ۱۳:۴۶؛ ۲ تسالونیکیان ۸:۱؛ یوحنا ۵:۱۰). این دعوت عبارت است از معرفی و ارزانی داشتن نجات در مسیح به گناهکاران، همراه با تشویقی صمیمانه و جدی برای پذیرش مسیح بوسیله ایمان به منظور کسب بخشایش گناهان و حیات جاودان. بر اساس این تعریف مشخص است که این دعوت شامل سه جزء می گردد که عبارتند از: (۱) معرفی و بیان اطلاعات و اندیشه های موجود در انجیل؛ (۲) دعوت به توبه و ایمان به عیسی مسیح؛ و (۳) وعده بخشایش و نجات. این وعده همیشه شرطی است و عملی شدن کامل آن را فقط از طریق توبه و ایمان حقیقی می توان انتظار داشت. دعوت بیرونی همگانی و عام است، لذا مربوط به تمام اشخاصی می گردد که پیام انجیل برای آنها موعظه می شود. هیچ محدودیت سنی، نژادی و طبقاتی

نداشته و به همان صورتی که برگزیدگان را در برمی‌گیرد شامل گناهکاران نیز می‌گردد (اشعیا ۴۵:۲۲؛ ۵۵:۱؛ حزقیال ۳:۱۹؛ یوئیل ۲:۳۲؛ متی ۲۲:۲-۸؛ مکاشفه ۱۷:۲۲). طبیعتاً این دعوت که از جانب خدا می‌باشد، بسیار مهم و جدی است. خدا گناهکاران را به ایمانی صحیح دعوت می‌کند و صمیمانه انتظار دارد که آنها این دعوت را بپذیرند و در کمال صداقت حیات جاودانی را به آنهایی که توبه کرده و ایمان بیاورند، وعده داده است (اعداد ۱۹:۲۳؛ مزبور ۱۳:۸۱-۱۶؛ امثال ۱:۲۴؛ اشعیا ۱:۲۸-۲۰؛ حزقیال ۱۸:۲۳، ۳۲؛ ۱۱:۳۳؛ متی ۲۳:۳۷؛ تیموتاؤس ۲:۱۳). در دعوت بیرونی خدا ادعای خود را نسبت به شخص گناهکار حفظ می‌کند. اگر شخص دعوت خدا را نپذیرد، ادعای خدا را حقیر شمرده، محکومیت خویش را افزایش می‌دهد. این دعوت وسیله مقرر شده از سوی خداست برای گرد آوردن تمام ملت‌های روی زمین (رومیان ۱۴:۱۰-۱۷)، و می‌باید به‌عنوان برکتی برای گناهکاران در نظر گرفته شود، اگرچه آنها می‌توانند آن را به لعنتی تبدیل نمایند (اشعیا ۱:۱۸-۲۰؛ حزقیال ۳:۱۸-۱۹؛ عاموس ۸:۱۱؛ متی ۱۱:۲۰-۲۴؛ ۲۳:۳۷). و در آخر، این دعوت سبب می‌شود که وقتی خدا گناهکاران را محکوم می‌سازد، کماکان عادل بماند، زیرا اگر آنها هدیه نجات را حقیر شمارند، محکومیت و تقصیر آنها به وضوح آشکار می‌گردد (یوحنا ۵:۳۹، ۴۰؛ رومیان ۲:۵، ۶، ۱۹).

دعوت درونی

اگرچه میان دو جنبه از دعوت خدا تمایز قائل می‌گردیم، اما در واقع دعوت خدا واحد است. دعوت درونی در واقع همان دعوت بیرونی است که بوسیله عملکرد روح القدس مؤثر می‌گردد. این دعوت همیشه از طریق کلام خدا به گناهکار عرضه می‌شود که بوسیله عملکرد روح القدس برای نجات کارآیی می‌یابد (اقرنتیان ۱:۲۳، ۲۴). وجه تمایز آن از دعوت بیرونی

در این می‌باشد که دعوتی است قدرتمند که در امر نجات مؤثر و نتیجه‌بخش است (اعمال ۱۳:۴۸؛ اقرنتیان ۱:۲۳، ۲۴). علاوه بر این، دعوتی است بدون بازگشت؛ بدین معنا که غیرقابل تغییر بوده و هرگز پس گرفته نمی‌شود (رومیان ۱۱:۲۹). شخصی که دعوت می‌گردد مطمئناً نجات می‌یابد. روح القدس با مؤثر ساختن بُعد متقاعدکننده کلام خدا از طریق موعظه کلام عمل می‌کند، به گونه‌ای که شخص به صدای خدا گوش می‌دهد. دعوت درونی درکی را که بوسیله روح القدس تنویر شده مخاطب قرار می‌دهد به گونه‌ای که شخص نسبت به آن آگاه می‌گردد. این امر همیشه به هدفی مشخص هدایت می‌شود. این دعوتی است برای مشارکت با عیسی مسیح (اقرنتیان ۱:۹)، به ارث بردن برکت (اپطرس ۳:۹)، آزادی (غلاطیان ۵:۱۳)، صلح و آرامش (اقرنتیان ۷:۱۵)، تقدیس (۱ تسالونیکیان ۴:۷)، امید (افسیان ۴:۴)، حیات جاودان (۱ تیموتاؤس ۲:۱۲) و ملکوت و جلال خدا (۱ تسالونیکیان ۲:۱۲).

۲- خلقت تازه

دعوت الهی و خلقت تازه نزدیکترین رابطه ممکن را با یکدیگر دارا می‌باشند. در ارتباط با خلقت تازه چند نکته در خور توجه است:

ماهیت آن

اصطلاح «خلقت تازه» همیشه به یک معنا به کار نمی‌رود. در اعتقادنامه ما این لغت در معنای گسترده‌تری به کار رفته است، به گونه‌ای که حتی شامل بازگشت نیز می‌گردد. در حال حاضر، دارای معنی محدودتری است. در محدودترین معنا، اشاره دارد به آن عمل خدا که اصل زندگی تازه را در انسان بنیاد می‌نهد، و حالت حاکم بر جان انسان را مقدس می‌گرداند. در معنای کمی گسترده‌تر، علاوه بر معنای اولیه، اشاره دارد به تولد تازه یا نخستین تجلی

زندگی تازه. خلقت تازه یک تغییر بنیادین در اصل حاکم بر زندگی و حالت حاکم بر جان می‌باشد، و در نتیجه بر تمامیت انسان تأثیر می‌گذارد (۱قرنتیان ۱۴:۲؛ ۲قرنتیان ۶:۴؛ فیلیپیان ۱۳:۲، اپطرس ۸:۱). این امر در یک لحظه از زمان کامل می‌گردد، و همانند تقدیس فرایندی تدریجی نمی‌باشد. بوسیله آن ما از موت به حیات منتقل می‌گردیم (ایوحنا ۱۴:۳). این یک راز و عمل اسرارآمیز خداست که هرگز مستقیماً برای انسان قابل درک نمی‌باشد، و فقط بوسیله تأثیراتش قابل شناخت است.

بانی آن

خدا بانی خلقت تازه است. کتاب مقدس آن را به عنوان کار روح القدس معرفی می‌کند (یوحنا ۱:۱۳؛ اعمال ۱۴:۱۶؛ یوحنا ۵:۳، ۸). برخلاف دیدگاه طرفداران آرمینیوس، ما معتقد هستیم که منحصرأ کار روح خدا می‌باشد و انسان در آن هیچ نقشی ندارد. در تولد تازه دقیقاً برخلاف بازگشت، هیچگونه همکاری بین خدا و انسان وجود ندارد. علاوه بر این، لازم به ذکر است که خلقت تازه در محدودترین معنای کلمه، که به مفهوم ایجاد زندگی جدید است، عمل مستقیم و ناگهانی روح القدس می‌باشد. این یک عمل خلاق است که در آن، به همان دلیل، کلام انجیل نمی‌تواند به خوبی به عنوان یک وسیله مورد استفاده قرار گیرد. ممکن است گفته شود که یعقوب ۱:۱۸ و اول پطرس ۱:۲۳ می‌تواند دلیلی بر این مدعا باشد که کلام موعظه به عنوان وسیله‌ای در خلقت تازه به کار رفته است. اما این قسمت‌ها به خلقت تازه در معنای وسیع آن اشاره داشته و شامل تولد تازه نیز می‌گردد. در آن معنای گسترده، خلقت تازه بدون شک به وسیله کلام خدا ایجاد می‌گردد.

ضرورت و جایگاه آن در روند نجات

کتاب مقدس هیچ جای شکی را برای ضرورت تام خلقت تازه باقی نمی‌گذارد و آن را با به‌کارگیری واضح‌ترین اصطلاحات تأکید می‌نماید (یوحنا ۳:۳، ۵، ۷؛ اقرنتیان ۲:۱۴؛ غلاطیان ۶:۱۵). ضرورت کفاره از این حقیقت نشأت می‌گیرد که ما به دلیل گناه و خطا طبیعتاً مرده‌ایم و به‌منظور برخورداری از الطاف الهی و داشتن مشارکت با خدا لازم است که به ما حیات روحانی جدیدی عطا گردد. سؤالی که اغلب مطرح می‌شود این است که کدام یک اول است، دعوت یا خلقت تازه؟ در پاسخ به این سؤال می‌توان گفت در معنایی محدود، در مورد بزرگسالان دعوت بیرونی معمولاً مقدم یا همزمان با خلقت تازه صورت می‌پذیرد. خلقت تازه به‌عنوان ایجاد زندگی جدید، مقدم است بر دعوت درونی، و دعوت درونی مقدم است بر خلقت تازه در معنای وسیع‌تر آن، یعنی تولد تازه. مطالب بیشتری در مورد این ترتیب در ماجرای ایمان آوردن لیدیه در اعمال ۱۶:۱۴ بیان شده است: «وزنی لیدیه نام، ارغوان فروش، از شهر طیاتیرا و خداپرست بود می‌شنید (دعوت بیرونی): که خداوند دل او را گشود (خلقت تازه در معنای محدود آن) تا سخنان پولس را بشنود (دعوت درونی)».

آیاتی برای حفظ کردن در مورد موضوعات مورد بحث:

الف: دعوت بیرونی

مرقس ۱۵:۱۶، ۱۶ «پس بدیشان گفت در تمام عالم بروید و جمیع خلایق را به انجیل موعظه کنید. هر که ایمان آورده تعمیم یابد نجات یابد و اما هر که ایمان نیاورد بر او حکم خواهد شد».

متی ۱۴:۲۲ «زیرا طلبیدگان بسیارند و برگزیدگان کم».

اعمال ۱۳:۴۶ «آنگاه پولس و برنابا دلیر شده گفتند واجب بود کلام

خدا نخست به شما القا شود لیکن چون آن را ردّ کردید و خود را ناشایسته حیات جاودانی شمردید، همانا بسوی امتهای توجّه نماییم».

ب: دعوت

امثال ۱: ۲۴-۲۶ «و کلمات خود را بر شما اعلام خواهم کرد زیرا که چون خواندم شما ابا نمودید و دستهای خود را برافراشتم و کسی اعتنا نکرد بلکه تمامی نصیحت مرا ترک نمودید و توبیخ مرا نخواستید پس من نیز در حین مصیبت شما خواهم خندید و چون ترس بر شما مستولی شود استهزا خواهم نمود».

اول پطرس ۳: ۱۹، ۲۰ الف «و با آن روح نیز رفت و موعظه نمود به ارواحی که در زندان بودند که سابقاً نافرمانبردار بودند هنگامی که حلم خدا در ایام نوح انتظار می کشید وقتی که کشتی بنا می شد که در آن جماعتی قلیل یعنی هشت نفر با آب نجات یافتند».

با قسمت های مشابه در متی ۲۲: ۸-۱؛ لوقا ۱۴: ۱۶-۲۴ مقایسه کنید.

ج: مهم و جدی بودن دعوت

امثال ۱: ۲۴-۲۶ با قسمت ب مقایسه شود.

حزقیال ۱۸: ۲۳، ۳۲ «خداوند یهوه می فرماید آیا من از مردن مرد شریر مسرور می باشم نی بلکه از اینکه از رفتار خود بازگشت نموده زنده ماند» ... «زیرا خداوند یهوه می گوید من از مرگ آن کس که می میرد مسرور نمی باشم پس بازگشت نموده زنده مانید».

متی ۲۳: ۳۷ «و سنگسار کننده مرسلان خود چند مرتبه خواستم فرزندان تو را جمع کنم مثل مرغی که جوجه های خود را زیر بال خود جمع می کند و نخواستید».

د: ضرورت تولد تازه

ارمیا ۲۳:۱۳ «آیا حَبَشی پوست خود را تبدیل تواند نمود یا پلنگ پیسه‌های خویش را، آنگاه شما نیز که به بدی کردن معتاد شده‌اید نیکویی توانید کرد».

یوحنا ۳:۳، ۷ «عیسی در جواب او گفت آمین آمین به تو می‌گویم اگر کسی از سر نو مولود نشود ملکوت خدا را نمی‌تواند دید».

ه: تولد تازه و کلام

یعقوب ۱۸:۱ «او محض اراده خود ما را بوسیله حق تولید نمود تا ما چون نوبر مخلوقات او باشیم».

اول پطرس ۱:۲۳ (از آن‌رو که تولد تازه یافتید نه از تخم فانی بلکه از غیر فانی یعنی به کلام خدا که زنده و تا ابدالآباد باقی است».

برای مطالعه بیشتر

الف: آیا دعوت، عمل یکی از شخصیت‌های تثلیث است یا عمل هر سه شخصیت تثلیث؟ اقرنتیان ۱:۹؛ اتسالونیکیان ۲:۱۲؛ متی ۱۱:۲۸؛ لوقا ۵:۲۳؛ متی ۱۰:۲۰؛ اعمال ۵:۳۱، ۳۲.

ب: آیا لغت «خلقت تازه» در کتاب مقدس استفاده شده است (تیطس ۳:۵)؟ چه اصطلاحات دیگری برای بیان این مفهوم به کار رفته است؟ یوحنا ۳:۳، ۵، ۷، ۸؛ ۲قرنتیان ۵:۱۷؛ افسسیان ۲:۵؛ کولسیان ۲:۱۳؛ یعقوب ۱:۱۸؛ ۱پطرس ۱:۲۳.

ج: آیا تیطس ۳:۵ ثابت می‌کند که بوسیله تعمید، تولد تازه می‌یابیم؟ اگر پاسخ منفی است، آن را چگونه توضیح می‌دهید؟

سؤالاتی برای مرور مطالب

- ۱- منظور از دعوت چیست؟
- ۲- تفاوت و تمایز دعوت بیرونی و درونی در چیست؟
- ۳- دعوت بیرونی شامل چه عناصری می‌گردد؟
- ۴- از چه جنبه‌ای همگانی و عام است؟
- ۵- چه هدفی را دنبال می‌نماید؟
- ۶- دعوت درونی چگونه با دعوت بیرونی ارتباط می‌یابد؟
- ۷- آیا ما از آن آگاه هستیم؟
- ۸- در جهت چه هدفی هدایت شده است؟
- ۹- کلمه «خلقت تازه» چه معانی متفاوتی دارد؟
- ۱۰- در معنای بسیار محدود شامل چه می‌گردد؟
- ۱۱- ماهیت تغییر بوجود آمده در خلقت تازه چیست؟
- ۱۲- آیا خلقت تازه فقط کار خداست یا کار خدا و انسان؟
- ۱۳- آیا در خلقت تازه از کلام به‌عنوان یک وسیله استفاده می‌شود؟
- ۱۴- آیا خلقت تازه از ضرورت تام برخوردار است؟ ضرورت آن را ثابت کنید.
- ۱۵- ترتیب دعوت و خلقت تازه چیست؟

بازگشت: توبه و ایمان

هنگامی که تغییر ناشی از خلقت تازه، در زندگی خودآگاه شخص شروع به متجلی شدن می‌نماید، این را بازگشت می‌نامیم.

۱- بازگشت در مفهوم کلی

بازگشت در کتاب مقدس همیشه دارای معنای یکسانی نیست. بازگشتی که در اینجا مد نظر داریم، آن عمل خداست که بوسیله آن سبب می‌شود اشخاص خلقت تازه یافته در زندگی خودآگاهشان با ایمان و توبه به سوی او بیایند. با توجه به این تعریف، مشخص است که خدا بانی بازگشت است.

بازگشت در کتاب مقدس

این حقیقت به وضوح در کتاب مقدس تعلیم داده شده است (اعمال ۱۸:۱۱؛ ۲ تیموتاؤس ۲:۲۵). زندگی جدید حاصل از خلقت تازه، از خود به یک تغییر خودآگاه در زندگی نائل نمی‌آید، بلکه فقط از طریق عملکرد خاص روح القدس (یوحنا ۶:۴۴؛ فیلیپیان ۲:۱۳). از سوی دیگر، گرچه در تولد تازه فقط خدا عمل می‌کند و انسان منفعل است، در بازگشت، انسان به

همکاری دعوت شده است (اشعیا ۷:۵۵؛ ارمیا ۱۱:۱۸؛ اعمال ۲:۳۸؛ ۱۷:۳۰). اما حتی در این قسمت نیز انسان فقط می‌تواند از طریق قدرتی که خدا به او بخشیده عمل نماید. همانند خلقت تازه، بازگشت نیز تغییری آنی بوده، و برخلاف تقدیس یک فرایند تدریجی نمی‌باشد. اما در تمایز با تولد تازه، بازگشت تغییری است که بیشتر در جنبه خودآگاه زندگی شخص روی می‌دهد تا جنبه ناخودآگاه زندگی او. اگرچه بازگشت در مورد بزرگسالان ضروری است (حزقیال ۱۱:۳۳؛ متی ۳:۱۸)، اما احتیاجی نیست که در زندگی هر یک از آنها به‌عنوان یک واقعه مشخص و برجسته آشکار گردد.

انواع بازگشت در کتاب مقدس

کتاب مقدس به نمونه‌های مختلفی از بازگشت اشاره می‌کند، از قبیل: نعمان (۲ پادشاهان ۵:۱۵)، منسی (۲ تواریخ ۳۳:۱۲، ۱۳)، زکی (لوقا ۱۹:۸، ۹)، خواجه سرای حبشی (اعمال ۸:۲۶-۳۸)، کرنلیوس (اعمال ۱۰:۴۴)، پولس (اعمال ۹:۵)، لیدیه (اعمال ۱۶:۱۴) و دیگران. علاوه بر این موارد، کتاب مقدس از بازگشت جمعی (یک قوم) (یونس ۳:۱۰)، بازگشت موقتی که هیچ تغییری را در قلب شامل نمی‌گردد (متی ۱۳:۲۰، ۲۱؛ تیموتاؤس ۱:۱۹، ۲۰؛ تیموتاؤس ۴:۱۰؛ عبرانیان ۶:۴-۶)، و بازگشت مجدد (لوقا ۲۲:۳۲؛ مکاشفه ۲:۵، ۱۶، ۲۱، ۲۲؛ ۳:۳، ۱۹) سخن می‌گوید. در معنای دقیق و روشن کلمه، این یک بازگشت مکرر نیست، بلکه عملکرد احیاکننده زندگی تازه پس از متحمل شدن یک دوران افول و تیرگی می‌باشد. بازگشت شامل دو عنصر می‌گردد، یکی منفی و دیگری مثبت که عبارتند از توبه و ایمان و هر کدام محتاج بحث مجزایی می‌باشند.

۲- توبه، عنصر منفی بازگشت

توبه نظر به گذشته دارد و در تعریف آن، می توان گفت که تغییری است در زندگی خودآگاه شخص گناهکار که در نتیجه آن از گناه روی برمی گرداند. این فرایند شامل سه جنبه می گردد که عبارتند از: (الف) جنبه عقلانی که در آن زندگی گذشته به عنوان یک زندگی گناه آلود درک می گردد که در برگیرنده خطا و تقصیر شخصی، فساد و درماندگی می باشد؛ (ب) جنبه احساسی، یک احساس پشیمانی به دلیل ارتکاب گناه نسبت به خدای قدوس و عادل، و (ج) جنبه ارادی، که عبارت است از تغییر در هدف، یا بازگشت درونی از گناه و تمایل برای طلب بخشش و پاکی (رومیان ۳: ۲۰؛ ۲قرنیتان ۷: ۹، ۱۰؛ رومیان ۲: ۴). این امر در درجه اول بوسیله شریعت خدا در انسان شکل می گیرد. کاتولیکها برداشتی بیرونی از توبه دارند. براساس اعتقاد آنها توبه شامل غم و اندوه می گردد که علت آن نه گناه ذاتی، بلکه گناه و معصیت شخصی است که فقط می تواند نتیجه ترس از مجازات ابدی باشد. همچنین طبق نظر ایشان، اعتراف به کشیش که می تواند گناه را ببخشد، و انجام کارهایی برای نشان دادن توبه، نظیر روزه و ریاضت و زیارت، می تواند توبه را مستحکم سازد. از طرف دیگر کتاب مقدس توبه را کاملاً یک عمل درونی تلقی می کند، یعنی غم و اندوه حقیقی به دلیل گناه و آن را با تغییر زندگی که در نتیجه آن صورت می پذیرد، اشتباه نمی گیرد.

۳- ایمان، عامل مثبت بازگشت

در تمایز با توبه، ایمان رو به سمت جلو دارد.

انواع مختلف ایمان

کتاب مقدس همیشه از ایمان در یک معنا سخن نمی گوید. برای مثال اشاره به ایمان تاریخی می کند که عبارت است از پذیرش عقلائی از حقیقت

کتاب مقدس بدون هیچگونه عکس‌العمل روحانی یا اخلاقی اصیل. چنین ایمانی حقیقت را جدی تلقی نمی‌کند و تمایلی واقعی نسبت به آن نشان نمی‌دهد (اعمال ۲۶:۲۷، ۲۸؛ یعقوب ۲:۱۹). کتاب مقدس همچنین صحبت از *ایمان موقتی* می‌کند. ایمانی که حقایق مذهبی را با احساسات و اشتیاق پذیرفته، اما ریشه‌ای در قلب تولد تازه یافته ندارد. چنین ایمانی، ایمان موقتی نامیده می‌شود، چرا که به‌هنگام تجربه و جفا در حفظ موجودیت خود شکست می‌خورد (مقایسه کنید همچنین با عبرانیان ۶:۴-۶؛ اول تیموتاؤس ۱:۱۹، ۲۰؛ اول یوحنا ۲:۱۹). علاوه بر اینها، کتاب مقدس به *ایمان معجزه‌گر* اشاره می‌کند که عبارت است از ایمان و اعتقاد راسخ شخص به این امر که معجزه‌ای بوسیله او یا از طرف او انجام خواهد پذیرفت (متی ۸:۱۱-۱۳؛ ۱۷:۲۰؛ مرقس ۱۶:۱۷، ۱۸؛ یوحنا ۱۱:۲۲، ۴۰؛ اعمال ۹:۱۴). این ایمان امکان دارد همراه با ایمان نجات‌بخش یا جدا از آن باشد. بالاخره کتاب مقدس نه تنها از *ایمان نجات‌بخش* نام می‌برد، بلکه بر ضرورت آن تأکید می‌نماید. جایگاه چنین ایمانی در قلب انسان است و ریشه در زندگی خلقت تازه یافته دارد. تخم آن در خلقت تازه کاشته می‌شود و بتدریج به صورت یک ایمان فعال شکوفا می‌گردد. می‌توان آن را *اعتقاد و یقین مثبت نسبت به حقیقت انجیل* و یک *اعتماد و اطمینان قلبی به وعده‌های خدا در مسیح تعریف نمود* که بتدریج در اثر عمل روح القدس در قلب انسان جا می‌گیرد.

عوامل ایمان

در ایمان نجات‌بخش حقیقی سه عامل را تشخیص می‌دهیم. (۱) *عامل عقلانی* که عبارت است از یک شناخت مثبت از حقیقت مکشوف شده در کلام خدا، و یک بینش روحانی که واکنشی از قلب شخص گناهکار دریافت می‌دارد. این یک شناخت کاملاً مطمئن بر اساس وعده‌های خدا می‌باشد، و

گرچه نیازی ندارد که جامع باشد، اما حقایق بنیادین انجیل را به گونه‌ای کافی به ایماندار عرضه می‌دارد. (۲) *عامل احساسی (رضایت)*. به این عامل در کتاب اصول اعتقادات هایدلبرگ به صورت مجزا مطرح نگردیده است زیرا عملاً در شناخت ایمان نجات‌بخش گنجانده شده است. مشخصه چنین نوع شناختی این است که همراه آن یک اعتقاد راسخ در مورد اهمیت موضوع آن وجود دارد و این به معنای اطمینان خاطر عمیق است. حقیقت، روح را به خود معطوف می‌سازد. (۳) *عامل ارادی (اعتماد)*. این برجسته‌ترین عامل ایمان نجات‌بخش است. در واقع یک اعتماد شخصی به مسیح به‌عنوان نجات‌دهنده و خداوند است که شامل تسلیم و سرسپردگی جان به‌عنوان وجودی ناپاک و گناهکار به او و اطمینان و اعتماد به وی به‌عنوان سرچشمه بخشایش و زندگی روحانی می‌باشد. در تحلیل نهایی، هدف ایمان نجات‌بخش، عیسی مسیح و وعده نجات در او می‌باشد (یوحنا ۳:۱۶، ۱۸، ۳۶؛ ۴۰:۶؛ اعمال ۴۳:۱۰؛ رومیان ۳:۲۲؛ غلاطیان ۲:۱۶). این ایمان از انسان نشأت نگرفته و خاستگاهی در انسان ندارد، بلکه بخشش خداست (۱قرنثیان ۸:۹؛ غلاطیان ۵:۲۲؛ افسسیان ۲:۸). اما به‌کارگیری آن یک عملکرد انسانی است که فرزندان خدا مکرراً نسبت به آن تشویق شده‌اند (رومیان ۹:۱۰؛ ۱قرنثیان ۵:۲؛ کولسیان ۱:۲۳؛ تیموتاؤس ۱:۵؛ ۱:۶).

اطمینان ایمان

براساس اعتقاد متودیس‌ها، شخصی که ایمان می‌آورد در همان لحظه این اطمینان را دارد که فرزند خداست، اما این امر بدین معنا نیست که او از نجات جاودانی نیز مطمئن است، چرا که امکان سقوط و از دست دادن فیض وجود دارد. دیدگاه درست این است که ایمان حقیقی در واقع اعتماد به خداست و در نتیجه با خود یک احساس اطمینان خاطر و امنیت به

همراه دارد، اگرچه این احساس می‌تواند درجات مختلفی داشته باشد. این اطمینان، مایملک دائمی و خودآگاه ایماندار نیست. زندگی ایمانی او هرگز کامل نیست، از اینرو همواره از غنای روحانی خود آگاه نمی‌باشد. او ممکن است به واسطه شک و عدم اطمینان دچار نوسان گردد، به همین دلیل است که کلام خدا ما را تشویق به تقویت این اطمینان می‌نماید (۲قرن تیان ۵:۱۳؛ عبرانیان ۱۱:۶؛ ۲پطرس ۱:۱۰؛ ایوحنا ۳:۱۹). این اطمینان می‌تواند بوسیله دعا، تفکر بر وعده‌های خدا، و همچنین بوسیله زندگی مسیحی واقعی رشد یافته، تقویت گردد.

آیاتی برای حفظ کردن در مورد موضوعات مورد بحث:

الف: خدا عامل بازگشت است

اعمال ۱۸:۱۱ «چون این را شنیدند ساکت شدند و خدا را تمجید کنان گفتند فی الحقیقه خدا به امتهای نیز توبه حیات بخش را عطا کرده است».
دوم تیموتاؤس ۲:۲۵ «با حلم مخالفین را تأدیب نماید که شاید خدا ایشان را توبه بخشد تا راستی را بشناسند».

ب: همکاری انسان در بازگشت

اشعیا ۷:۵۵ «شریر راه خود را و گناهکار افکار خویش را ترک نماید و بسوی خداوند بازگشت کند و بر وی رحمت خواهد نمود و بسوی خدای ما که مغفرت عظیم خواهد کرد».
اعمال ۱۷:۳۰ «و ایشان را بیرون آورده گفت ای آقایان مرا چه باید کرد تا نجات یابم؟»

ج: ضرورت بازگشت

حزقیال ۱۱:۳۳ «به ایشان بگو خداوند یهوه می‌فرماید به حیات خود قسم که من از مردن مرد شریر خوش نیستم بلکه (خوش هستم) که شریر از طریق خود بازگشت نموده زنده ماند ای خاندان اسرائیل بازگشت نمایید». متی ۳:۱۸ «و گفت هر آینه به شما می‌گویم تا بازگشت نکنید و مثل طفل کوچک نشوید هرگز داخل ملکوت آسمان نخواهید شد».

د: ایمان تاریخی

اعمال ۲۶:۲۷-۲۸ «ای اغریپاس پادشاه آیا به انبیاء ایمان آورده‌ای می‌دانم که ایمان داری. اغریپاس به پولس گفت به قلیل ترغیب می‌کنی که من مسیحی بگردم؟»
 یعقوب ۱۹:۲ «ایمان خود را بدون اعمال به من بنما و من ایمان خود را از اعمال خود به تو نشان خواهم نمود».

ه: ایمان موقتی

متی ۱۳:۲۰ و ۲۱ «و آنکه بر سنگلاخ ریخته شد اوست که کلام را شنید فی الفور به خشنودی قبول می‌کند و لکن ریشه‌ای در خود ندارد بلکه فانی است و هرگاه سخنی یا صدمه‌ای بسبب کلام بر او وارد آید در ساعت لغزش می‌خورد».
 اول یوحنا ۱۹:۲ «از ما بیرون شدند لکن از ما نبودند زیرا اگر از ما می‌بودند با ما می‌ماندند. لکن بیرون رفتند تا ظاهر شود که همهٔ ایشان از ما نیستند».

و: ایمان معجزه‌گر

متی ۱۷:۲۰ ب «عیسی ایشان را گفت بسبب بی‌ایمانی شما زیرا هر آینه

به شما می‌گویم اگر ایمان بقدر دانه خردلی می‌داشتید بدین کوه می‌گفتید از اینجا بدانجا منتقل شو البته منتقل می‌شد و هیچ امری بر شما محال نمی‌بود».

اعمال ۹:۱۴، ۱۰ «چون او سخن پولس را می‌شنید او بر وی نیک نگریسته دید که ایمان شفا یافتن دارد. پس با آواز بلند بدو گفت بر پایهای خود راست بایست که در ساعت بر جسته خرامان گردید».

ز: مسیح به‌عنوان هدف ایمان نجات‌بخش

یوحنا ۳:۱۶ «زیرا خدا جهان را اینقدر محبت نمود که پسر یگانه خود را داد تا هر که بر او ایمان آورد هلاک نگردد بلکه حیات جاودانی یابد».

یوحنا ۶:۴۰ «و اراده فرستنده من این است که هر که پسر را دید و بدو ایمان آورد حیات جاودانی داشته باشد و من در روز بازپسین او را خواهم برخیزانید».

ح: ضرورت رشد دادن اطمینان

عبرانیان ۱۱:۶ «لکن آرزوی این داریم که هر یک از شما همین جدّ و جهد را برای یقین کامل امید تا به انتها ظاهر نمایید».

دوم پطرس ۱:۱۰ «لهذا ای برادران بیشتر جدّ و جهد کنید تا دعوت و برگزیدگی خود را ثابت نمائید زیرا اگر چنین کنید هرگز لغزش نخواهید خورد».

برای مطالعه بیشتر

الف: در متی ۳:۲۷؛ دوم قرن‌تیاں ۱۰:۷ به چه نوع توبه‌ای اشاره شده است؟

ب: آیا می‌توانید اشخاصی را از کتاب مقدس نام ببرید که در زندگی آنها

نتوان بازگشت را همچون رویدادی ویژه و برجسته تشخیص داد؟ (مقایسه کنید ارمیا ۱:۴؛ لوقا ۱:۵؛ ۲ تیموتاؤس ۳:۱۵)
 ج: تعدادی از جملات مهمی را که در مورد اطمینان در کلام خدا یافت می‌گردد، بیان کنید (عبرانیان ۳:۱۷، ۱۸؛ ۲ قرنتیان ۴:۱۶-۵:۱؛ ۲ تیموتاؤس ۱:۱۲)

سؤالاتی برای مرور مطالب

- ۱- کتاب مقدس از چند جنبه متفاوت در مورد بازگشت سخن می‌گوید؟
- ۲- بازگشت موقتی و تکراری از چه جنبه‌ای با هم تفاوت دارند؟
- ۳- بازگشت واقعی و اصیل چیست؟ و شامل چه عواملی می‌گردد؟
- ۴- چه عواملی در توبه وجود دارد؟
- ۵- دیدگاه کلیسای کاتولیک در مورد توبه چیست؟
- ۶- چگونه توبه از تولد تازه متمایز می‌گردد؟
- ۷- بانی بازگشت کیست؟ آیا انسان در این فرایند همکاری می‌نماید؟
- ۸- آیا بازگشت لازم است همیشه بصورت یک اتفاق برجسته و خاص باشد؟
- ۹- کتاب مقدس از چند نوع ایمان سخن می‌گوید؟
- ۱۰- خصوصیات ایمان تاریخی، موقتی و معجزه‌گر چیست؟
- ۱۱- چگونه ایمان موقتی از ایمان نجات‌بخش متمایز می‌گردد؟
- ۱۲- ایمان شامل چه عواملی می‌گردد؟ چه مقدار درک و شناخت لازم است؟
- ۱۳- برجسته‌ترین عامل ایمان نجات‌بخش چیست؟
- ۱۴- هدف ایمان نجات‌بخش کیست؟
- ۱۵- آیا ایمانداران همیشه دارای اطمینان نجات هستند؟
- ۱۶- چگونه شخص می‌تواند اطمینان خود را افزایش دهد؟

عادل شمردگی

۱- ماهیت و عناصر عادل شمردگی

عادل شمردگی را می توان آن عمل قضایی خدا تعریف نمود که بوسیله آن، بر اساس عدالت کامل عیسی مسیح، خدا شخص گناهکار را عادل اعلام می نماید. عادل شمردگی یک عمل یا فرایندی از تجدید حیات، از قبیل تولد تازه، بازگشت یا تقدیس نیست، و بر وضعیت شخص گناهکار تأثیری نمی گذارد بلکه بر جایگاه او. عادل شمردگی در جزئیات متعددی با تقدیس تفاوت دارد. عادل شمردگی در خارج از شخص گناهکار، در حضور تخت خدا صورت می گیرد و محکومیت گناه را دور می سازد؛ این عملی است کامل که یک بار برای همیشه صورت می پذیرد؛ در حالی که تقدیس در درون انسان صورت گرفته، آلودگی گناه را دور می کند، و فرایندی است دائمی در تمام دوران زندگی.

عناصر عادل شمردگی

عادل شمردگی دارای دو عنصر است که عبارتند از: (الف) بخشایش گناهان بر اساس عدالت عیسی مسیح. این بخشایش تمام گناهان را چه در گذشته، حال و آینده در بر می گیرد و به این دلیل نیازی به تکرار ندارد (مزمور ۱۰۳:۱۲؛ اشعیا ۴۴:۲۲؛ رومیان ۵:۲۱؛ ۸:۱، ۳۲-۳۴؛ عبرانیان ۱۰:۱۴). این بدین معنا نیست که دیگر نیازی به دعا کردن برای بخشایش

نیست، چراکه آگاهی از تقصیر باقی مانده و تولید احساس جدایی می‌کند. به همین دلیل اطمینان خاطر مجدد از بخشایش ضروری است (مزمور ۷:۲۵؛ ۵:۳۲؛ ۵:۵۱؛ متی ۶:۱۲؛ یعقوب ۵:۱۵؛ ایوحنا ۱:۹). (ب) پذیرفته شدن به‌عنوان فرزند خدا. در عادل‌شمردگی، خدا ایمانداران را به‌عنوان فرزند خود می‌پذیرد، یعنی آنها را در جایگاه فرزندی قرار داده، به آنها تمام حقوقی را که فرزندان از آن برخوردار هستند می‌بخشد. از جمله حق میراث ابدی را (رومیان ۸:۱۷؛ ۱ پطرس ۱:۴). این پسرخواندگی قانونی ایمانداران را می‌باید از پسرخواندگی اخلاقی ایشان از طریق تجدید حیات و تقدیس، متمایز نمود. به هر دو نوع این پسرخواندگی‌ها در یوحنا ۱۲:۱-۱۳؛ رومیان ۸:۱۵، ۱۶؛ غلاطیان ۴:۵، ۶ مورد اشاره واقع شده است.

۴- جهان عادل‌شمردگی

اصطلاح «عادل‌شمردگی» همیشه به یک معنا به کار نمی‌رود. بعضی حتی معتقدند که عادل‌شمردگی دارای چهار جنبه است: عادل‌شمردگی از ازل، عادل‌شمردگی از طریق قیام مسیح از مردگان، عادل‌شمردگی بوسیله ایمان، و عادل‌شمردگی علنی در داوری نهایی. در توضیح نوع اول عادل‌شمردگی می‌توان گفت در یک معنای ایده‌آل و کامل، عدالت مسیح قبلاً به‌هنگام فدیة، به حساب ایمانداران گذاشته شده است و به همین دلیل از ازل می‌باشد؛ اما کتاب مقدس زمانی که از عادل‌شمردگی گناهکاران سخن می‌گوید، این معنا را مد نظر ندارد. می‌باید میان آنچه که خواست خدا در مشورت ازلی اوست با آنچه که در طول تاریخ آشکار شده است، تفاوت قائل شویم. علاوه بر این، دلایلی وجود دارد که از عادل‌شمردگی از طریق قیام مسیح از مردگان سخن به میان آوریم. در یک معنا ممکن است گفته شود که قیام نشان‌دهنده عادل‌شمردگی مسیح بود، و در او تمام ایمانداران که بدن را تشکیل می‌دهند، عادل شمرده می‌گردند. اما این یک

عمل کلی و کاملاً عینی بود که نباید با عادل‌شمردگی شخصی گناهکاران اشتباه گرفته شود. زمانی که کتاب مقدس سخن از عادل شمرده شدن گناهکاران می‌کند، معمولاً اشاره به کاربرد درونی و شخصی و تصاحب فیض عادل‌کننده خدا دارد. گفته‌ای که اکثراً بیان می‌شود این است که بوسیله ایمان عادل شمرده می‌شویم. این بدین معناست که عادل‌شمردگی در زمان پذیرش مسیح بوسیله ایمان، صورت می‌پذیرد. ایمان نیز به عنوان وسیله یا عامل تخصیص عادل‌شمردگی نامیده شده است. بوسیله ایمان انسان عدالت مسیح را از آن خود می‌کند یا بر خود می‌گیرد، و بر این اساس در حضور خدا عادل است. دامنه شمول عادل‌شمردگی که بر اساس ایمان است تا آن حدی است که در تملک مسیح قرار دارد (رومیان ۵:۴؛ غلاطیان ۲:۱۶). می‌باید مواظب تعلیم اشتباه کلیسای کاتولیک و پیروان آرمینیوس بود که معتقدند انسان بر اساس عدالت ذاتی خود و یا بوسیله ایمان خود عادل شمرده می‌شود. عدالت یا ایمان شخصی انسان هرگز نمی‌تواند پایه و اساس عادل‌شمردگی او باشد. چنین امری فقط در عدالت کامل عیسی مسیح یافت می‌گردد (رومیان ۳:۲۴؛ ۴:۱۰؛ ۲قرنیتیان ۵:۲۱؛ فیلیپیان ۳:۹).

۳- ایرادات به آموزه عادل‌شمردگی

نسبت به این آموزه ایرادات مختلفی بیان شده است. گفته می‌شود اگر انسان بر اساس شایستگی مسیح عادل شمرده می‌شود، بنابراین بوسیله فیض نجات نیافته است. اما عادل‌شمردگی با هر آنچه که شاملش می‌گردد، عملکرد پر از فیض و رحمت خداست. بخشش مسیح، و این عمل خدا که عدالت مسیح را به حساب ما می‌گذارد، و رفتار او با گناهکاران طوری که گویی عادل هستند، همه از ابتدا تا انتهای آن فیض و رحمت است. همچنین گفته شده که این در خور و شایسته خدا نیست که گناهکاران را عادل اعلام نماید. اما خدا اعلام نمی‌نماید که آنها به شایستگی خود عادل

هستند، بلکه آنها با عدالت عیسی مسیح پوشانده شده‌اند. و بالاخره، چنین بیان شده که این آموزه باعث می‌گردد که انسانها نسبت به زندگی اخلاقی خود بی‌تفاوت گردند. اگر آنها بدون توجه به اعمالشان عادل شمرده می‌گردند، چرا می‌باید مواظب تقوا و پرهیزکاری شخصی خود باشند؟ اما عادل‌شمردگی پایه و اساسی را برای یک رابطه زنده با مسیح بنیاد می‌نهد و این امر مطمئن‌ترین تضمین برای یک زندگی خداپسندانه واقعی است. انسانی که واقعاً در اتحاد و یگانگی زنده با مسیح قرار دارد، نمی‌تواند از نظر اخلاقی بی‌تفاوت باشد (رومیان ۳:۸-۵).

آیاتی برای حفظ کردن در مورد موضوعات مورد بحث:

الف: عادل‌شمردگی

رومیان ۳:۲۴ «و به فیض او مجاناً عادل شمرده می‌شوند به وساطت آن فدیهای که در عیسی مسیح است».

دوم قرنیتیان ۵:۲۱ «زیرا او را که گناه نشناخت در راه ما گناه ساخت تا ما در وی عدالت خدا شویم».

ب: عادل شمرده شدن بوسیله ایمان نه اعمال

رومیان ۳:۲۸ «زیرا یقین می‌دانیم که انسان بدون اعمال شریعت محض ایمان عادل شمرده می‌شود».

رومیان ۴:۵ «و اما کسی که عمل می‌کند مزدش نه از راه فیض بلکه از راه طلب محسوب می‌شود».

غلاطیان ۲:۱۶ «اما چونکه یافتیم که هیچ کس از اعمال شریعت عادل شمرده نمی‌شود بلکه به ایمان به عیسی مسیح، ما هم به مسیح عیسی ایمان آوردیم تا از ایمان به مسیح و نه از اعمال شریعت عادل شمرده شویم زیرا

که از اعمال شریعت هیچ بشری عادل شمرده نخواهد شد».

ج: عادل شمرده شدن و بخشایش گناهان

مزمور ۳۲:۱-۲ «خوشابحال کسی که عصیان او آمرزیده شد و گناه وی مستور گردید؛ خوشابحال کسی که خداوند به وی جرمی در حساب نیاورد و در روح او حيله‌ای نمی‌باشد».

اعمال ۳۸:۳۹-۱۳ «پس ای برادران عزیز شما را معلوم باد که به وساطت او به شما از آمرزش گناهان اعلام می‌شود و به وسیله او هر که ایمان آورد عادل شمرده می‌شود از هر چیزی که به شریعت موسی نتوانستید عادل شمرده شوید».

د: فرزند خواندگی، وارثان حیات جاودان

یوحنا ۱:۱۲ «و اما به کسانی که او را قبول کردند قدرت داد تا فرزندان خدا گردند، یعنی به هر که به اسم او ایمان آورد».

غلاطیان ۴:۴، ۵ «لیکن چون زمان به کمال رسید، خدا پسر خود را فرستاد که از زن زاییده شد و زیر شریعت متولد، تا آنانی را که زیر شریعت باشند فدیة کند تا آنکه پسر خواندگی را بیابیم».

رومیان ۸:۱۷ «و هرگاه فرزندانیم وارثان هم هستیم یعنی وَرَثَةُ خدای و هم ارث با مسیح اگر شریک مصیبت‌های او هستیم تا در جلال وی نیز شریک باشیم».

ه: عادل شمردگی بر اساس عدالت مسیح

رومیان ۳:۲۱-۲۲ «و یقین دانست که به وفای وعده خود نیز قادر است و از این جهت برای او عدالت محسوب شد».

رومیان ۵:۱۵ «و نه چنانکه خطا بود همچنان نعمت نیز باشد؛ زیرا اگر به خطای یک شخص بسیاری مردند، چه قدر زیاده فیض خدا و آن بخششی

که به فیض یک انسان یعنی عیسی مسیح است برای بسیاری افزون گردید».

برای مطالعه بیشتر

- الف: در رومیان ۵: ۱-۵ چه نتایجی از عادل شمردگی بیان شده است؟
 ب: آیا یعقوب تعلیم می‌دهد که انسان بوسیله اعمال عادل شمرده می‌گردد (یعقوب ۲: ۲۱-۲۵)؟
 ج: پولس رسول در رومیان ۳: ۵-۸ به چه مخالفتی با آموزه عادل شمردگی پاسخ می‌دهد؟

سؤالاتی برای هرور مطالب

- ۱- منظور از عادل شمردگی چیست؟
- ۲- از چه جنبه‌ای با مقدس شدن متفاوت است؟
- ۳- چه عواملی آن را تشکیل می‌دهند؟
- ۴- در عادل شمردگی تا چه اندازه‌ای گناهان بخشیده می‌شود؟
- ۵- چرا باید ایمانداران هنوز هم برای بخشایش دعا کنند؟
- ۶- فرزندخواندگی چه چیزی را شامل می‌گردد؟
- ۷- آیا می‌توانیم از عادل شمردگی در ازل و در قیام مسیح از مردگان سخن بگوییم؟
- ۸- چگونه ایمان به عادل شمردگی مربوط می‌گردد؟
- ۹- پایه و اساس عادل شمردگی چیست؟ دیدگاه پیروان آرمینیوس چیست؟
- ۱۰- چه مخالفت‌هایی با این آموزه عنوان شده است؟ آیا می‌توانید به آنها پاسخ دهید؟

تقدیس و هدایوت

آموزه عادل‌شمردگی به‌طور طبیعی ما را به موضوع تقدیس رهنمون می‌گردد. وضعیت عادل‌شمردگی مستلزم زندگی مقدس و وقف‌شده به خدمت خدا می‌باشد.

۱- ماهیت و خصوصیات تقدیس

تقدیس را می‌توان آن عمل فیض‌آمیز و مستمر روح‌القدس تعریف نمود که به‌واسطه آن گناهکار را پاک کرده، تمامیت طبیعت او را به‌صورت خدا تازه می‌گرداند و او را قادر می‌سازد که کارهای نیک انجام دهد. تقدیس با عادل‌شمردگی متفاوت است از این جنبه که مربوط به زندگی درونی انسان می‌گردد، و احیای زندگی می‌باشد نه یک عمل قضایی، و معمولاً یک فرایند طولانی است، و هرگز در این زندگی به‌طور کامل حاصل نمی‌گردد. اگرچه تقدیس آشکارا عمل فوق طبیعی خداست، اما ایماندار می‌تواند و می‌باید با به‌کارگیری مستمر وسایلی که خدا در اختیار و دسترس او قرار داده است، در این امر همکاری نماید (۲قرنتیان ۱:۷؛ کولسیان ۳:۵-۱۴؛ ۱پطرس ۱:۲۲). تقدیس صرفاً به معنی جاری ساختن آنچه قبلاً در تولد تازه داده شده است نمی‌باشد، بلکه باعث تقویت، گسترش و استحکام زندگی تازه می‌گردد. تقدیس از دو قسمت تشکیل می‌گردد: پاک کردن و برداشتن تدریجی آلودگی و فساد طبیعت انسانی (رومیان ۶:۶؛ غلاطیان

۲۴:۵)، و رشد و شکوفایی تدریجی زندگی جدید در وقف و سر سپردگی به خدا (رومیان ۴:۶، ۵؛ کولسیان ۱۲:۲؛ ۱:۳، ۲؛ غلاطیان ۱۹:۲). در حالی که این امر در قلب انسان صورت می‌گیرد، طبیعتاً بر تمامیت زندگی او تأثیر می‌گذارد (رومیان ۱۲:۶؛ اقرنتیان ۱۵:۶، ۲۰؛ اتسالونیکیان ۲۳:۵). تغییر در زندگی درونی انسان می‌باید همراه با تغییر در زندگی بیرونی و ظاهری او باشد. انسان می‌باید در کار تقدیس همکاری کرده، از هشدارهایی که مکرراً بر ضد شریر و وسوسه داده شده (رومیان ۹:۱۲، ۱۶، ۱۷؛ اقرنتیان ۹:۶، ۱۰؛ غلاطیان ۱۶:۵-۲۳) و از تشویق‌های دائمی که برای زندگی مقدس بیان شده است (میکاه ۸:۶؛ یوحنا ۷:۱۵-۴؛ رومیان ۸:۱۲، ۱۳؛ ۱:۱۲، ۲؛ غلاطیان ۷:۶، ۸، ۱۵) پیروی کند.

۴- خصوصیت ناکامل تقدیس در این زندگی

با وجود اینکه تقدیس بر تمام قسمت‌های انسان تأثیر می‌گذارد با وجود این رشد و بلوغ روحانی ایمانداران در زندگی این جهانی ناتمام باقی می‌ماند. آنها می‌باید مادامی که در این جهان زندگی می‌نمایند، با گناه در ستیز باشند (پادشاهان ۴۶:۸؛ امثال ۹:۲۰؛ یعقوب ۲:۳؛ ایوحنا ۸:۱). ویژگی و مشخصه زندگی آنها جنگ دائمی بین جسم و روح است و حتی بهترین ایشان هنوز هم به گناه اعتراف نموده (ایوب ۳:۹، ۲۰؛ مزمو ۵:۳۲؛ ۳:۱۰۳؛ امثال ۹:۲۰؛ اشعیا ۶۴:۶؛ دانیال ۷:۹؛ رومیان ۱۴:۷؛ ایوحنا ۹:۱)، برای بخشایش دعا کرده، (مزمو ۱:۵۱، ۲؛ دانیال ۱۶:۹؛ متی ۱۲:۶، ۱۳؛ یعقوب ۵:۱۵) و برای کسب کاملیت بیشتر سعی و تلاش می‌نمایند (رومیان ۷:۷-۲۶؛ غلاطیان ۵:۱۷؛ فیلیپیان ۱۲:۳-۱۴). این واقعیت را به اصطلاح کمال‌گرایان رد می‌کنند. آنها به این واقعیت استناد می‌کنند که کتاب مقدس به ایمانداران فرمان می‌دهد که کامل باشند (متی ۵:۴۸؛ اپطرس ۱:۱۶؛ یعقوب ۴:۱)، و بعضی از اشخاص را کامل می‌خواند (پیدایش ۹:۶؛ ایوب

۸:۱؛ ۱ پادشاهان ۱۴:۱۵؛ فلیمون ۱۵:۳)، و نیز اعلام می‌دارد که آنهایی که از خدا متولد شده‌اند، گناه نمی‌کنند (۱ یوحنا ۳:۶، ۸، ۹؛ ۱۸:۵). اما این حقیقت که ایمانداران می‌باید برای کاملیت جد و جهد نمایند، ثابت می‌کند که بعضی به کمال رسیده‌اند. علاوه بر این، واژه کامل همیشه به معنی بدون گناه و آزاد از گناه نمی‌باشد. نوح، ایوب، و آسا به عنوان اشخاص کامل نامیده شده‌اند، اما تاریخ آشکارا ثابت می‌نماید که آنها افرادی بدون گناه نبودند. منظور یوحنا از قرار معلوم یا این است که انسان جدید گناه نمی‌کند یا اینکه ایمانداران در گناه زندگی نمی‌کنند. خود او می‌گوید: «اگر گوئیم که گناه نداریم خود را گمراه می‌کنیم و راستی در ما نیست» (۱ یوحنا ۸:۱).

۳- تقدیس و اعمال نیک

تقدیس طبیعتاً منتهی می‌گردد به زندگی بی همراه با کارها و اعمال نیک. این را می‌توان ثمره و نتیجه تقدیس نامید. اعمال نیک و خوب، صرفاً اعمال کامل و بی نقص نمی‌باشد، بلکه اعمالی است که از اصل محبت نسبت به خدا یا ایمان به او نشأت گرفته (متی ۷:۱۷، ۱۸؛ ۱۲:۳۳، ۳۵؛ عبرانیان ۶:۱۱)، و در هماهنگی آگاهانه از اراده مکشوف خدا انجام گرفته (تثنیه ۶:۲؛ ۱ سموئیل ۱۵:۲۲؛ یعقوب ۲:۸)، و هدف نهایی شان جلال خدا است (اقرنتیان ۱۰:۳۱؛ کولسیان ۳:۱۷، ۲۳). فقط اشخاصی که به وسیله روح خدا تولد تازه یافته‌اند قادرند که چنین اعمال نیکی را انجام دهند. البته این بدین معنا نیست که اشخاص تولد تازه نیافته نمی‌توانند هیچ عمل یا کار خوبی انجام دهند (برای مثال ۲ پادشاهان ۱۰:۲۹، ۳۰؛ ۱۲:۲؛ ۳:۱۴؛ لوقا ۶:۳۳؛ رومیان ۲:۱۴). به دلیل فیض عام خدا آنها می‌توانند اعمالی را بجا آورند که در هماهنگی ظاهری و سطحی با شریعت بوده، در جهت هدفی والا انجام می‌شوند؛ اما اعمال آنها همیشه اساساً ناقص و ناکامل

است، چرا که آنها از آن اصل و ریشه روحانی یعنی محبت خدا، دور و بیگانه می‌باشند، و هیچگونه اطاعت واقعی و درونی از حکم خدارا نمایان نساخته و هدفشان جلال خدا نمی‌باشد. بر خلاف کاتولیکها می‌باید به این نکته اشاره داشت که اگرچه خدا وعده داده که به اعمال نیک ایمانداران پاداش خواهد داد، پاداشی بر اساس فیض مجانی خدا (اقرنتیان ۳:۱۴؛ عبرانیان ۱۱:۲۶)، اما هیچکس شایسته و مستحق این پاداش نیست. همچنین بر خلاف پیروان «بی‌قانونان»^(۱) می‌باید بر اعمال نیک تأکید کرده شود (کولسیان ۱:۱۰؛ ۲ تیموتاؤس ۲:۲۱؛ تیطس ۲:۱۴؛ عبرانیان ۱۰:۲۴).

۴- مداومت مقدسین

اصطلاح «مداومت مقدسین»^(۲) به‌طور طبیعی بر فعالیتی دائمی از ایمانداران دلالت دارد که به وسیله آن، آنها در طریق نجات مداومت و پایداری نشان می‌دهند. با وجود این، در حقیقت، مداومت بیشتر اشاره به عملکرد خدا دارد تا عملکرد ایمانداران؛ اما ایمانداران می‌باید در آن شراکت داشته باشند. به بیانی دقیق، اطمینان نجات انسان بر این حقیقت قرار دارد که محافظت را خدا به‌عمل می‌آورد. مداومت را می‌توان آن عملکرد مداوم روح‌القدس در ایمانداران تعریف نمود که در نتیجه آن، کار فیض الهی که در قلب انسان آغاز گردیده است، ادامه یافته، کامل می‌گردد. این آموزه به صراحت در کتاب مقدس تعلیم داده شده است (یوحنا ۱۰:۲۸، ۲۹؛ رومیان ۱۱:۲۹؛ فیلیپیان ۱:۶؛ ۲ تسالونیکیان ۳:۳؛ ۲ تیموتاؤس ۱:۱۲؛ ۸:۴) و فقط زمانی که به مداومت الهی ایمان داریم می‌توانیم در این زندگی از اطمینان نجات برخوردار باشیم (عبرانیان ۳:۱۴؛ ۱۱:۶؛ ۱۰:۲۲؛ ۲ پطرس ۱:۱۰). خارج از کلیساهای اصلاحی این آموزه هیچگونه

۱- کسانی که معتقدند ایماندار نیازی به پیروی از احکام اخلاقی ندارد زیرا به‌واسطه فیض عادل شمرده شده است (Antinomians).
۲- Perseverance of the Saints

طرفداری ندارد. می‌گویند که کتاب مقدس این آموزه را رد می‌کند زیرا کتاب مقدس بر خلاف ارتداد هشدار می‌دهد، (عبرانیان ۱:۲؛ ۱۰:۲۶)، ایمانداران را تشویق می‌کند که طریق نجات را ادامه دهند (متی ۱۳:۲۴؛ کولسیان ۱:۲۳؛ عبرانیان ۳:۱۴) و حتی نمونه‌هایی از ارتداد را ارائه می‌دهد (تیموتاؤس ۱:۱۹، ۲۰؛ ۲ تیموتاؤس ۲:۱۷، ۱۸؛ ۴:۱۰). چنین هشدارها و تشویق‌هایی را می‌باید به‌عنوان احتمال لغزش تلقی کرد، و چنین نمونه‌هایی را نیز به‌عنوان اثبات کامل آن در نظر گرفت. اما در حقیقت هشدارها و تشویق‌ها فقط ثابت می‌کنند که خدا به‌طور غیر مستقیم عمل کرده، می‌خواهد که انسان نیز در کار مداومت همکاری نماید؛ و هیچ دلیلی وجود ندارد که موارد ذکر شده در زمینه ارتداد، ایمانداران واقعی باشند (برای مثال رومیان ۹:۶؛ ایوحنا ۲:۱۹؛ مکاشفه ۳:۱).

آیاتی برای حفظ کردن در مورد موضوعات مورد بحث:

الف: تقدیس به‌عنوان عمل خدا

۱ تسالونیکیان ۵:۲۳ «اما خود خدای سلامتی، شما را بالکل مقدس گرداناد و روح و نفس و بدن شما تماماً بی‌عیب محفوظ باشد در وقت آمدن خداوند ما عیسی مسیح».

عبرانیان ۲:۱۱ «زائر و که چون مقدس‌کننده و مقدسان همه از یک می‌باشند از این جهت عار ندارد که ایشان را برادر بخواند».

ب: همکاری انسان در امر تقدیس

۲قرنثیان ۷:۱ «پس ای عزیزان چون این وعده‌ها را داریم خویشان را از هر نجاست جسم و روح طاهر بسازیم و قدوسیت را در خدا ترسی به کمال رسانیم».

عبرانیان ۱۴:۱۲ «و در پی سلامتی با همه بکوشید و تقدسی که به غیر از آن هیچ کس خداوند را نخواهد دید».

ج: میراندن انسانیت کهنه

رومیان ۶:۶ «زیرا این را می دانیم که انسانیت کهنه ما با او مصلوب شد تا جسد گناه معدوم گشته دیگر گناه را بندگی نکنیم».

غلاطیان ۲۴:۵ «و آنانی که از آن مسیح می باشند جسم را با هوسها و شهواتش مصلوب ساخته اند».

د: احیای انسانیت تازه

افسیان ۲۴:۴ «و انسانیت تازه را که به صورت خدا در عدالت و قدوسیّت حقیقی آفریده شده است پوشید».

کولسیان ۱۰:۳ «و تازه را پوشیده اید که به صورت خالق خویش تا به معرفت کامل تازه می شود».

ه: عدم کاملیت تقدیس در این زندگی

رومیان ۱۸:۷ «زیرا می دانم که در من یعنی در جسد هیچ نیکویی ساکن نیست زیرا که اراده در من حاضر است اما صورت نیکو کردن نی».

فیلیپیان ۱۲:۳ «نه اینکه تا بحال به چنگ آورده یا تا بحال کامل شده باشم ولی در پی آن می کوشم بلکه شاید آن را بدست آورم که برای آن مسیح نیز مرا بدست آورد».

و: ماهیت اعمال نیک

اسموئیل ۲۲:۱۵ «سموئیل گفت آیا خداوند به قربانیهای سوختنی و ذبایح خوشنود است یا به اطاعت فرمان خداوند. اینک اطاعت از قربانیها و

گوش گرفتن از پیه قوچها نیکوتر است». اقرنتیان ۱۰:۳۱ «پس خواه بخورید خواه بنوشید خواه هر چه کنید همه را برای جلال خدا بکنید».

ز: مداومت مقدسین

یوحنا ۱۰:۲۸، ۲۹ «و من به آنها حیات جاودانی می‌دهم و تا به ابد هلاک نخواهند شد و هیچکس آنها را از دست من نخواهد گرفت. پدری که به من داد از همه بزرگتر است و کسی نمی‌تواند از دست پدر من بگیرد».

۲ تیموتاؤس ۱:۱۲ «و از این جهت این زحمات را می‌کشم بلکه عار ندارم چون می‌دانم به که ایمان آوردم و مرا یقین است که او قادر است که امانت مرا تا به آن روز حفظ کند».

۲ تیموتاؤس ۴:۱۸ «و خداوند مرا از هر کار بد خواهد رهانید و تا به ملکوت آسمانی خود نجات خواهد داد او را تا ابدالآباد جلال باد آمین».

برای مطالعه بیشتر

الف: آیا می‌توانید با توجه به آیات ذیل به زمان کامل شدن تقدیس اشاره کنید؟ فیلیپیان ۳:۲۱؛ عبرانیان ۱۲:۲۳؛ مکاشفه ۵:۱۴؛ ۲۱:۲۷.

ب: بر اساس ارمیا ۳۱:۳۴؛ فیلیپیان ۲:۱۳؛ غلاطیان ۵:۲۴؛ عبرانیان ۹:۱۴ چه قسمت‌هایی از وجود انسان تحت تأثیر تقدیس قرار می‌گیرد؟

ج: در اقرنتیان ۲:۶؛ ۱:۳، ۲؛ عبرانیان ۵:۱۴؛ ۲ تیموتاؤس ۳:۱۶ کلمه «کامل باشید» چه معنایی می‌دهد؟

سؤالاتی برای مرور مطالب

- ۱- تقدیس را تعریف کنید. تفاوت آن با عادل‌شمردگی در چیست؟
- ۲- آیا تقدیس نتیجه عمل خدا است یا انسان؟

- ۳- دو قسمت (جنبه) تشکیل دهنده آن را بیان کنید.
- ۴- چه دلیلی برای عدم کاملیت آن در این زندگی وجود دارد؟
- ۵- چه کسانی و بر چه اساسی این آموزه را رد می‌کنند؟ چگونه می‌توانید به آنها پاسخ دهید؟
- ۶- در معنای دقیق کلمه، منظور از اعمال نیک چیست؟
- ۷- تا چه اندازه‌ای اشخاص تولد تازه نیافته می‌توانند اعمال نیک انجام دهند؟
- ۸- آیا اعمال نیک شایسته پاداش می‌باشند یا نه؟ آیا تعلیم دادیم که اعمال نیک پاداش داده می‌شوند؟
- ۹- از چه جنبه‌ای اعمال نیک ضروری هستند؟
- ۱۰- منظور از مداومت مقدسین چیست؟
- ۱۱- چگونه می‌توان این آموزه را اثبات نمود؟

